یادداشت

هدایت سازمان برنامه در اقتصاد ایران

محمدحسین شریف‌زادگان*

● توسعه اقتصادی ایران و حل مسائل اقتصادی آن، در گرو چالش‌هایی است که حل نسبی آنها می‌تواند زمینه‌های رشد، توسعه، عدالت و رفاه اجتماعی مردم این سرزمین را فراهم کند. تنظیم چارچوبی مفهومی از سیاست‌های کلی راهبردی و اجرائی اقتصاد کشور و سمت‌وسوی آن و سپس ایجاد درک مشترک در دولت، نظام و مردم، اکسیر اولیه و قدم‌گذاشتن برای تحول در اقتصاد ایران است. در این میان، ستاد اقتصادی دولت که شامل ستاد عالی و ستاد بخشی است، شامل وزارت اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه به عنوان ستاد عالی اقتصاد و وزارتخانه‌های نفت، جهاد کشاورزی، صنعت و معدن و تجارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان ستاد بخشی اقتصاد، نقش اصلی را بازی می‌کنند. سؤال اینجاست که چه دستگاهی می‌تواند هدایت اصلی توسعه اقتصادی ایران را در ستاد عالی اقتصاد بر عهده بگیرد؟

وزارت اقتصاد و دارایی عمدتا مسئولیت سازمان‌های اقتصادی، مثل بانک‌ها، بیمه‌های تجاری، خزانه و سازمان مالیاتی را بر عهده دارد و سازمان‌دهی درونی آن نیز هرگز آمادگی لازم را برای هدایت اقتصاد کشور که دارای جنبه اقتصادی، زیربنایی، فنی، اجتماعی و فرهنگی است ندارد. بانک مرکزی که مسئول و مجری سیاست‌های بانکی و ارزی کشور است نیز به خاطر ساختار و سازماندهی خود و نداشتن جامعیت در همه عناصر لازم برای توسعه کشور، نمی‌تواند این نقش را بر عهده بگیرد. سازمان برنامه و بودجه به خاطر ساختار و سازماندهی جامع خود در همه زمینه‌های اقتصادبخشی، برنامه‌های پنج‌ساله میان‌مدت، مسئولیت نظام فنی و عمرانی کشور و از همه مهم‌تر بودجه‌ریزی و اجرای آن و داشتن تشکیلات ماتریسی برای به‌هم‌پیوسته‌کردن موضوعات مؤثر در توسعه اقتصادی کشور، می‌تواند مسئولیت و هدایت توسعه اقتصادی ایران را بر عهده بگیرد. تجربه تاریخ توسعه ایران نشان می‌دهد حداقل از بعد از جنگ جهانی دوم و تأسیس این سازمان، هرگاه موفقیت اقتصادی در ایران فراهم شده است یا کشور توانسته بر بحران‌های ناشی از جنگ، تحریم و رکود فائق آید، سازمان برنامه و بودجه سکان‌دار اقتصاد کشور بوده است و دلیل اصلی نیز توانایی‌های تشکیلاتی و سنت‌های سیاستی این سازمان در برنامه‌ریزی بودجه و کنترل و نظارت بر کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و فرهنگی بوده و این عملکرد در ایران تاکنون انحصاری و متعلق به این سازمان است. بعد از انقلاب نیز موفقیت دولت مهندس موسوی در زمان جنگ، مرهون کارکرد فوق‌العاده سازمان برنامه و بودجه بود و در دوران سازندگی و به‌ویژه در موفقیت‌های اقتصادی دولت اصلاحات، سازمان برنامه نقش‌آفرین بود. دولت آقای روحانی در چهار سال گذشته توانست زمینه‌های تخریب دولت قبلی در اقتصاد را تا حدی برطرف کند و با کنترل تورم، افزایش تولید و صادرات نفت و محصولات کشاورزی، زمینه‌های خوبی را برای تحولات اقتصادی فراهم کند.

تجربه نشان می‌دهد دولت‌ها در دوره چهارساله اول، در اقتصاد کشور زمینه‌سازی کرده و کارهای اصلی و چشمگیر خود را در دوره چهارساله دوم به انجام می‌رسانند. دولت روحانی در آستانه شروع خود، اگر در سازمان‌دهی، سیاست‌گذاری و انتخاب درست همکاران هم‌رأی و هم‌دل موفق باشد، می‌تواند از موفقیت اقتصادی در دور دوم خود بهره‌مند شود. در چهار سال گذشته، سازمان برنامه و بودجه و شورای اقتصاد، به دلایل مختلف، نقش واقعی خود را بازی نکردند و در کنار دولت قرار داشتند. اعضای دولت در امر توسعه و اقتصاد کشور هم‌رأی نبودند و مفهوم‌سازی مناسب راهبردی، سیاستی و اجرائی در امر اقتصاد ایران مشاهده نمی‌شد. تنها سازمان برنامه و بودجه است که امکان مفهوم‌سازی راهبردی، سیاستی و اجرائی را برای توسعه ایران با استفاده از ابزارهای تشکیلاتی خود مانند شورای اقتصاد و برنامه و بودجه، دارد؛ نه وزارت اقتصادی و دارایی و نه بانک مرکزی.

رئیس دولت باید بیشترین حمایت و قدرت‌نمایی راهبردی و سیاستی خود را از طریق سازمان برنامه و بودجه به نمایش بگذارد. بنابراین یکی از ضروریات و الزامات کشور از سوی رئیس‌جمهور، محور قراردادن سازمان برنامه از طریق انتخاب فرد مناسب برای ریاست آن، حمایت و دخالت در سازماندهی مناسب درونی آن و نقش‌دادن به رهبری و هدایتگری این سازمان از طریق هم‌افزایی و همراهی ستاد عالی و ستاد بخشی در شورای اقتصاد در راستای رشد و توسعه است.

***استاد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه شهید بهشتی**

خیز مرد دوم برای اول شدن

ادامه از صفحه ۴

شما از جامعیت این برنامه سخن می‌گویید، درحالی‌که برای نمونه توجه دقیقی به موضوع فساد در نظام جامع مالیاتی و....

ممکن است نگاه من یا هر اقتصاددان دیگری با هر بخش از برنامه آقای کرباسیان از جمله آسیب‌شناسی ایشان از اقتصاد یا راهبردها و سیاست‌های پیشنهادی‌شان متفاوت و بلکه مخالف باشد. به‌طور مثال، ایشان مسائل اصلی اقتصاد ایران را چهار ویژگی نفت‌زدگی، دولت‌زدگی (به‌معنی بزرگی دولت)، رانت‌زدگی و سیاست‌زدگی دانسته است. درحالی‌که هزینه مبادله ناشی از فساد و ناکارآمدی دولت، حقوق مالکیت ناکارآمد، رقابتی‌نبودن اقتصاد و سهم بالای سازمان‌ها و نهادهای بخش عمومی و شبه‌دولتی‌ها در اقتصاد را نادیده گرفته است. شکل و فرم را از محتوا تفکیک کنید.

درباره اصلاح نظام بانکی هم همین نظر را دارید؟ در اولویت‌های شش‌گانه آقای کرباسیان اصلا این بحث دیده نشده است.

همین موضوع هم در آسیب‌شناسی و هم در سیاست‌ها اگرچه به اختصار دیده شده است.

خب اگر شما بخواهید این برنامه را نگارش کنید، چه نکاتی را در آن پررنگ می‌بینید؟

من پیشنهاد می‌کنم برنامه تفصیلی پیشنهادی ایشان در چهار محور اصلی و با رویکرد برنامه‌ریزی هسته‌ای در چهار محور یا چهار هسته برنامه‌ریزی سامان پیدا کند؛ نخستین مورد بین‌المللی‌کردن اقتصاد است. دوم، شفافیت حداکثری و فراگیر باشد. سومین محور به گمان من رونق‌بخشی به اقتصاد برای دستیابی به رشد فراگیر است و در نهایت محور چهارم خروج از بحران بانکی است. بدیهی است ترجمان این محورهای راهبردی در حوزه‌های اولویت‌دار متجلی و تعیین می‌شوند.

خب شما چطور برنامه‌ای را تأیید می‌کنید که هیچ‌یک از اولویت‌های شما در آن دیده نشده است؟

در برنامه پیشنهادی ایشان، پیوستار و چارچوب منطقی و مورد انتظار یک برنامه وجود دارد. در این برنامه، مبانی تحلیلی برنامه و هم مأموریت‌های اصلی و قانونی وزارت امور اقتصادی و دارایی احصا شده است. آسیب‌شناسی وضعیت موجود انجام شده و دستاوردهای سیاستی و ظرفیت‌ها و پیش‌نیازهایی که از دولت یازدهم ایجاد شده و هم راهبردها و سیاست‌ها و ابر پروژه‌های پیشنهادی برای حوزه‌های اصلی سازمانی و موضوعات محوری مأموریت وزارتخانه و مسائل اصلی اقتصاد ایران مورد توجه قرار گرفته است.

شما می‌گویید که همه گزینه‌ها در این برنامه وجود دارد، اما نکته‌ای گذرا؛ آیا همین موضوع به خودی خود حکایت از بی‌انضباطی این برنامه ندارد؟

انضباط برنامه ارتباطی با حد تفصیل و دامنه پوشش آن ندارد. این ویژگی‌ها برآمده از مبانی معرفتی و تئوری برنامه است. ساختار و فرم برنامه با محدودیت‌هایی از سوی نهاد ریاست‌جمهوری همراه بوده و در مجال زمانی و محدودیت و سقف صفحات و حجم اعلام‌شده باید برنامه ارائه می‌شد. مهم‌ترین نقد من بر این برنامه از حیث محتوا به آسیب‌شناسی تحلیلی اقتصاد ایران و از حیث ساختار به نداشتن اولویت‌بندی است.

برنامه آقای کرباسیان را در مقایسه با برنامه سایر وزرا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به‌نظر من، برنامه ایشان در مقایسه با سایر وزیران پیشنهادی، جامعیت و ساختار بسیار بهتری داشت و برخی نمایندگان مجلس که بهره‌برداران اصلی برنامه‌های وزیران هستند نیز، چنین ارزیابی‌ای داشتند. اگرچه ممکن است سایر گروه‌ها مانند کارشناسان یا اقتصاددانان یا اصحاب رسانه در بررسی منفرد برنامه ایشان ارزیابی دیگری داشته باشند.

قواعد شکل‌گیری مدیریت قوی و کارآمد

علی دینی ترکمانی
اقتصاددان

از زمان معرفی نامزدهای سمت‌های مختلف وزارتی تاکنون، در جاهای مختلف، از روزنامه‌ها گرفته تا دنیای مجازی، بحث‌های مختلفی درباره کیفیت تیم معرفی‌شده از سوی آقای روحانی در گرفته است. برخی از نقدها به نبود هیچ زنی در کابینه معطوف شده است. برخی هم معطوف به بی‌تناسبی میان تخصص‌های دانشگاهی برخی با سمت‌های پیشنهادی است. برخی هم معطوف به ناسازگاری میان اعضای پیشنهادی کابینه از نظر آبشخورهای فکری و وابستگی‌های سیاسی است. نقد اول، نقدی صحیح است. اگر در میان جامعه زنان افرادی وجود دارند که صلاحیت وزارت را دارند، چرا نباید مدنظر قرار بگیرند. این پرسشی است که نه‌تنها برای جامعه روشنفکری معنا پیدا می‌کند، بلکه برای قریب به اتفاق جامعه‌ای معنا پیدا می‌کند که هم درگیر پوست‌اندازی‌های مهم اجتماعی چون افزایش سطح تحصیلات و آموزش دختران و زنان بوده و هم تجربه حضور زنانی چون مارگارت تاچر، آنجلا مرکل، بی‌نظیر بوتو، ایندیرا گاندا و... در رأس دولت‌های کشورهایشان را به خاطر دارد. در اصل، بی‌توجهی به زنان در چینش کابینه به معنای بی‌توجهی به مهارت‌های نیمی از جامعه انسانی و در نتیجه رعایت‌نکردن یکی از قواعد نظام حکمرانی خوب است. یعنی بحث در ورای مسئله برابری جنسیتی، از نظر فنی و تخصصی حایز اهمیت است. اما، واقعیت امر این است که چنین مشکلی، مشکل عام مرتبط با قواعد و کدهای ذهنی تعریف‌شده رسمی حاکم بر جامعه است که طبعا بر این دولت هم تأثیر می‌گذارد. نقد دوم، تا جایی که به مسئله تخصص‌گرایی توجه دارد، صحیح است، اما اگر تخصص‌گرایی را فقط به مدرک تحصیلی ارتباط می‌دهد، نادرست است. تخصص‌داشتن در حوزه‌ای، فراتر از مدرک داشتن است. هستند بسیاری از کسانی که در عرصه کسب‌وکار تحصیلات دانشگاهی ندارند یا اگر دارند، ارتباطی به حوزه فعالیتشان ندارد، ولی موفق‌اند و دانش ناشی از یادگیری در حین عملشان که دانش ضمنی و پنهان نامیده می‌شود، قوی‌تر از دانش صریح و آشکار دیگران است. در مقابل، هستند بسیاری از تحصیل‌کردگان دانشگاهی با دانش صریح و آشکار بالا ولی نه چندان موفق در کسب‌وکارهای مرتبط با رشته خود. به همین سان، می‌توانیم مثال‌های دیگری بزنیم. هستند افرادی که با علوم سیاسی یا نظریه انقلاب آشنایی دانشگاهی و کلاسیک نداشته‌اند، ولی در عمل رهبران انقلابی بسیار موفقی بوده‌اند. در عرصه مربیگری فوتبال، افرادی مانند حشمت مهاجرانی، خوزه مورینیو یا افشین قطبی هستند که سابقه بازی حرفه‌ای (به مثابه معیار تخصصی دانشگاهی در ورزش فوتبال) ندارند، ولی مربیان توانمندی هستند. آنچه برای یک وزیر بیشتر از سایر عوامل مهم است، توانایی در رهبری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و مهار امور و نظارت بر آن است؛ توانایی در چینش مدیرانی قوی برای معاونت‌ها و استفاده از تیم مشاوره‌ای قوی است؛ برخورداری از تجربه مدیریتی و رضایت کارکنان از زوایای مختلف است. بی‌تردید، تمام این نکات به معنای نادیده‌گرفتن حداقل سواد و دانش صریح و آشکار در حوزه ذی‌ربط و سایر عوامل چون سلامت نفس و پاکدامنی مالی نیست.

یکی از اشکال‌های نقد مذکور این است که تناقض دارد. می‌دانیم یک وزارتخانه با امور مختلفی درگیر است که با نگاه ریزبینانه، نیاز به تخصص‌های مختلف دارد. وزارتخانه‌های بزرگ شاید با ده‌ها تخصص درگیر باشند. یک وزیر حتی اگر به معنای مد نظر چنین منتقدانی، برخوردار از تخصصی باشد، طبعا دارای تخصص‌های دیگر نیست. بنابراین، از این منظر، مشکل باقی می‌ماند و فقط زمانی حل می‌شود که فردی برخوردار از همه تخصص‌ها یافت شود که امکان‌ناپذیر است. نتیجه اینکه، هرچه در هرم سازمانی به سمت بالاتر حرکت می‌کنیم، توان هماهنگ‌سازی، توان انگیزه‌دادن و توان ارائه مسیرهای جدید برای برون‌رفت از مشکلات اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

شایان ذکر است این سخن به معنای نادیده‌گرفتن اصل ضابطه‌گرایی نیست و به معنای برداشتی موسع‌تر از تخصص و ضابطه است. از این منظر، من مشکلی با انتخاب فردی ندارم که پزشک نیست ولی مدیریت بیمارستان خوانده است، به این شرط که سال‌ها در محیط بیمارستانی کار کرده و تجربه اندوخته باشد و توانایی برقراری ارتباط خوب با تیم پزشکان، پرستاران و... را داشته باشد. مشکلی با انتخاب فردی برای وزارت ندارم که حداقل آشنایی دانشگاهی با مباحث ذی‌ربط با حوزه وزارتی را دارد و در کنار تجربه مدیریتی، می‌تواند گوش شنوایی برای نقدهای دیگران داشته باشد. چنین مدیری از نظر من موفق‌تر از مدیری است که ممکن است در حوزه‌ای بسیار بنام و شهیر باشد، ولی توانایی گوش جان سپردن به نقدهای دیگران را ندارد.

حقوقی‌ها به تکاپو افتادند

آغاز مجدد اصلاح قیمتی در بورس

پدرام سمیعی‌تبریزی
کارشناس بازار سرمایه
شرکت سبدگردان کاریزما

شاخص کل بورس در معاملات روز گذشته، فرآیند اصلاح قیمتی در پیش گرفت و با حجم اندک معاملات، افت ۲،۲واحدی را تجربه کرد. در این روز که بیش از ۶۵۴ میلیون انواع سهم و اوراق بهادار به ارزش هزار و ۹۱۷ میلیارد ریال معامله شد، حقوقی‌های بازار کمی به تکاپو افتادند و در قالب خریدار پررنگ‌تر از روزهای گذشته در بازار حضور داشتند. در معاملات دیروز، بیش از ۶۵۴ میلیون انواع سهم و اوراق بهادار به ارزش هزار و ۹۱۷ میلیارد ریال دادوستد شد که موجب شد شاخص کل تنها ۲،۲ واحد ریزش داشته باشد و به عدد ۸۱هزار و ۶۵۹،۳واحدی برسد. در این روز شاخص قیمت با افت ۰،۶۹واحدی عدد ۲۶هزار و ۴۶۰،۴ واحدی و شاخص آزاد شناور با افت ۵۴،۱۱ واحدی عدد ۸۹هزار و ۶۷۹واحدی را به ثبت رساندند. دیروز در بورس تهران حدود ۴۶۷ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش هزار و ۱۵۶میلیارد ریال دست به دست شد. معاملات «پارسان» پس از بازگشایی بیشترین تأثیر مثبت را بر شاخص کل رقم زد و بیشترین افت شاخص را معاملات «رانفور» داشت. پربیننده‌ترین سهم این بازار «فولاد» بود. در سوی دیگر بازار، شاخص فرابورس با افت ۲،۱واحدی در عدد ۹۱۸،۷واحدی ایستاد. در این بازار ۱۸۶ میلیون انواع سهم و اوراق بهادار به ارزش ۷۶۰ میلیارد ریال معامله شد که ۱۴۱هزار ورقه به ارزش ۱۴۰میلیارد ریال آن به معاملات بازار بدهی اختصاص داشت. بیشترین تأثیر منفی را معاملات «شراز» و بیشترین تأثیر مثبت را معاملات «سرچشمه» به ثبت رساندند. «ذوب» نیز همانند روز گذشته بازهم بیشترین بازدیدکننده را در فرابورس داشت. در معاملات این روز «خموتور» با پنج درصد افزایش بیشترین رشد قیمت و «پدرخش» با ۴،۹۸ درصد کاهش، بیشترین کاهش قیمت را رقم زدند. بیشترین صف خرید در نماد «فنوال» و بیشترین صف فروش نیز در نماد «رانفور» تشکیل شد. در معاملات سومین روز از هفته، گروه فلزات اساسی از روند روبه‌رشدی برخوردار بودند و توانست به طور اندک رشد داشته باشد. اما گروه‌های خودرو و دارویی با افت قیمتی مواجه شدند. گروه شیمیایی نیز در اصلاح قیمتی قرار داشت و افت چندان زیادی نداشت. سیمانی‌ها نیز مانند شیمیایی‌ها با افت محدود در اصلاح قیمت قرار گرفتند. دیروز معاملات «فولاد» که بیشترین حجم معاملات بازار را با دادوستد ۵۱ میلیون و ۹۸۸ هزار سهم به ارزش ۹۳ میلیارد و ۵۷۵ میلیون ریال داشت، در بورس کالا نیز با درخواست خرید محصولات مواجه شد و جهش حدود ۱۰درصدی قیمت را تجربه کرد. از سوی دیگر بلوک معاملاتی «بترانس» با واگذاری ۲۰میلیون سهم به ارزش ۱۱۲میلیارد و ۷۲۰میلیون ریال، بیشترین ارزش معاملات را رقم زد. در این روز ۱۵ میلیون سهم «حریل» به ارزش بیش از ۲۵ میلیارد ریال در تابلو بلوکی خرده‌فروشی معامله شد. علاوه بر این ۱۰میلیون سهم از «شپنا» به ارزش بیش از ۲۵میلیارد ریال به کدهای درون‌گروهی سهامدار عمده انتقال یافت. همچنین در بازار فرابورس ۲،۶ میلیون سهم «زاگرس» به ارزش بیش از ۴۶میلیارد ریال در تابلو بلوکی خرده‌فروشی معامله شد.

عنوان شاخص	تغییر	مقدار
شاخص کل بورس تهران	-۲،۲	۸۱۶۵۹.۳۰ واحد
شاخص کل فرابورس	۲،۱	۹۱۸.۷۰ واحد
ارزش کل بازار بورس	۰	۳۲۱۹ هزارمیلیارد ریال
ارزش معاملات بورس تهران	۳۴	۱۱۵۶ میلیارد ریال
حجم معاملات بورس تهران	۷	۴۶۷ میلیون سهم
ارزش معاملات فرابورس	۵۵۰	۷۶۰ میلیارد ریال
حجم معاملات فرابورس	-۷۵۸	۱۸۶ میلیون سهم

خبر

بانک مرکزی: در مؤسسه «حافظ» سپرده‌گذاری نکنید

● آخرین شعب فعال مؤسسه خودخوانده «حافظ» در شهرهای تبریز و ساری، باوجود انعکاس دستور قضائی به نیروی انتظامی و اعلام موضوع ازسوی آن نیرو به واحدهای ذی‌ربط درخصوص جلوگیری از ادامه فعالیت شعب این مؤسسه، در حال سپرده‌پذیری هستند. به گزارش روابط‌عمومی بانک مرکزی ازاین‌رو هم‌وطنان برای جلوگیری از به‌مخاطره‌افتادن سرمایه خود، به‌هیچ‌وجه نزد این مؤسسه جعلی، سپرده‌گذاری نکرده و از هرگونه ارتباط دیگری با این مؤسسه از قبیل دراختیارگذاشتن مِلک برای ایجاد شعبه یا دریافت تسهیلات جدا خودداری کنند.

خبر ویژه

رؤسای اتاق‌های بازرگانی حامی وزرای پیشنهادی
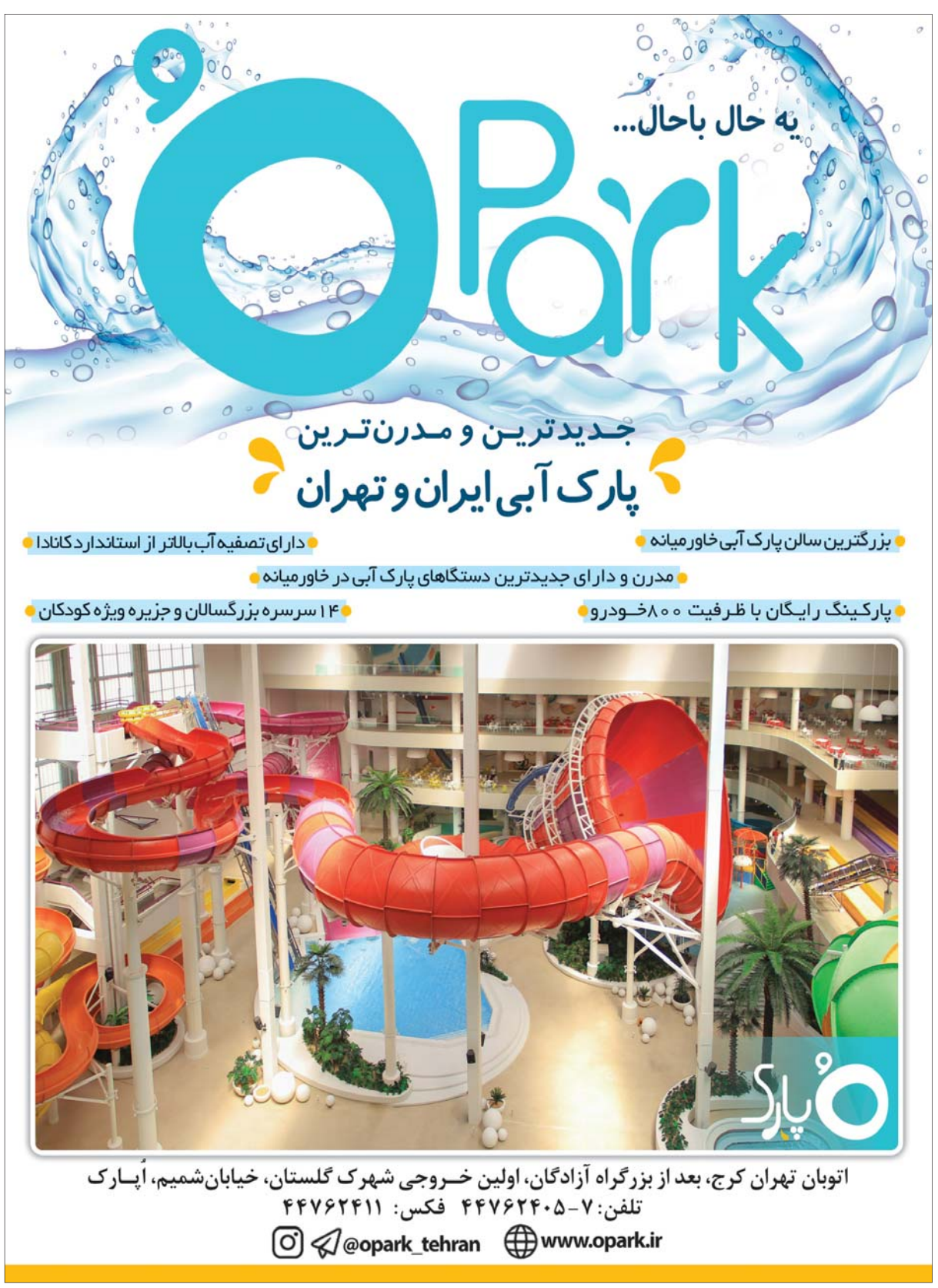
● **شرق:** رؤسای اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور در نامه‌ای به رئیس‌جمهور با اشاره به نقش مؤثر آرامش‌بخشی و ایجاد امنیت و ثبات اجتماعی وزارت کشور دولت یازدهم، به دلیل معرفی مجدد عبدالرضا رحمانی‌فضلی به‌عنوان وزیر کشور در دولت دوازدهم از رئیس‌جمهور تقدیر و تشکر کرده‌اند. در بخشی از این نامه آمده است: «تداوم تدبیر و امید و عقلانیت در قوه مجریه که با رأی اکثریت قاطبه مردم ایران حاصل شد، سرمایه‌ای گرانبها و ثروتی مشحون از سیاست‌ورزی خردمندانه است و در کارنامه اجرائی دولت یازدهم نقش آرامش‌بخشی و ایجاد امنیت و ثبات اجتماعی در عرصه داخلی توسط وزارت کشور ستودنی و قابل تقدیر است... رحمانی‌فضلی علاوه بر ایفای رسالت نشاط و آرامش در سیاست داخلی کشور با نگاهی توسعه‌محور حمایت از بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری متوازن و متعادل با رویکرد قابلیت‌های منطقه‌ای و با هدف افزایش منافع ملی و بهره‌وری از منابع عمومی را دنبال می‌کرد». این در حالی است که یک روز قبل، اتاق‌های بازرگانی در بیانیه‌ای حمایت خود را از مسعود کرباسیان وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی و محمد شریعتمداری به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرده بودند.